

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک نوین چین و روسیه در خاورمیانه

محمدیونس بهادری^۱

طیبه محمدی‌کیا^۲

چکیده

چین و روسیه دو قدرت نوظهور در خاورمیانه هستند. این پژوهش به بررسی سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک نوین این دو قدرت در خاورمیانه می‌پردازد. با توجه به اهمیت راهبردهای استراتژیکی دو قدرت مذکور پرسش اصلی پژوهش این است: روسیه و چین چه راهبردهایی را جهت افزایش و تقویت نفوذ خود در خاورمیانه به کار گرفته‌اند و کدام‌یک از آن‌ها موفق‌تر عمل کرده است؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه پژوهش از این‌قرار است: روسیه و چین با تمرکز بر سه راهبرد اصلی تقویت و توسعه روابط اقتصادی، جستجوی رهبری منطقه‌ای از طریق افزایش حضور و نفوذ سیاسی و تصویرسازی مثبت از خود در منطقه درصدد افزایش تأثیر و نفوذ خود در خاورمیانه هستند. پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد بررسی این موضوع است.

واژگان کلیدی:

چین، خاورمیانه، روسیه، راهبردهای استراتژیک، قدرت‌های بزرگ.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸

^۱. کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

younesbahadori76@gmail.com

^۲. نویسنده مسئول و استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

t.mohadi@ihcs.ac.ir

مقدمه

کشورهای بزرگ می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر نظم جهانی بگذارند؛ چراکه نفوذ روزافزون آن‌ها ساختار قدرت را در نظام بین‌الملل تغییر می‌دهد. این قدرت‌ها به‌طور فزاینده‌ای خود را به‌عنوان بازیگران اصلی در صحنه جهانی مطرح می‌کنند. خاورمیانه یکی از مناطق قابل توجه برای قدرت‌های بزرگ است. این منطقه به دلایل مختلفی از جمله، منابع انرژی، بازارهای صادراتی، تأثیرگذاری در تحولات بین‌المللی و ترتیبات امنیتی و نظامی جذابیت ویژه‌ای دارد. چین و روسیه به دلیل حوزه نفوذی که طی دهه‌ها ارتباط با کشورهای خاورمیانه به دست آورده‌اند، نگاه ویژه‌ای به این منطقه دارند و در پی تأثیرگذاری و توسعه نفوذ بیشتر خود در این منطقه هستند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که این دو کشور به دلایل گوناگون وابستگی زیادی به خاورمیانه دارند. اقتصاد چین، به جز واردات نفت و گاز، بستگی زیادی به خاورمیانه دارد و امنیت انرژی و حفظ منافع اقتصادی چین در این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. چین هم تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی، همکاری‌های اقتصادی و افزایش تجارت با کشورهای خاورمیانه، نفوذ خود را تقویت کند. این نقش با کوشش چین برای تقویت نقشش در روابط بین‌الملل قابل فهم است که با استفاده از توان نرم تأثیر خود را در منطقه تثبیت می‌نماید. روسیه نیز به‌عنوان قدرتی مؤثر در منطقه خاورمیانه تلاش می‌کند از لحاظ نظامی و امنیتی ایفای نقش نماید و همچنین بر تأمین امنیت و منافع استراتژیک خود در خاورمیانه تأکید دارد. روسیه نیز مانند چین، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ اقتصادی و تجاری، همکاری‌های اقتصادی و افزایش تجارت با کشورهای خاورمیانه را گسترش می‌دهد.

در مجموع، چین و روسیه می‌کوشند تا تأثیر و حضور خود را در خاورمیانه تقویت کنند. این قدرت‌های نوظهور در منطقه غرب آسیا هم به دنبال تأمین منافع اقتصادی، تقویت روابط سیاسی، توسعه همکاری نظامی و همچنین استفاده از توان نرم خود هستند. بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر این مهم نیازمند تحلیلی ژرف‌تر از سیاست‌ها، منافع و راهبردهای هر دو کشور است. در این میان تأثیر دیگر قدرت‌ها و عوامل منطقه‌ای نیز بر این روند باید در نظر گرفته شود؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش درصدد بررسی این موضوع است که چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت نوظهور چه راهبردهایی را در جهت افزایش نفوذ و تأثیر خود در خاورمیانه پیگیری می‌کنند؟ فرضیه پژوهش این چنین است؛ روسیه و چین با تمرکز

بر سه راهبرد اصلی شامل تقویت و توسعه روابط اقتصادی، جستجوی رهبری منطقه‌ای از طریق افزایش حضور و نفوذ سیاسی و تصویرسازی مثبت از خود در منطقه درصدد افزایش تأثیر و نفوذ خود در خاورمیانه هستند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نیز کاربست چارچوب مفهومی قدرت‌های نوظهور درصدد بررسی موضوع است.

قدرت‌های نوظهور. پایان جنگ سرد و نظم جهانی دوقطبی نویددهنده عصر گذار برای حکومت جهانی بود. بیست سال پس از آن هنوز هیچ اتفاق نظری در مورد وضعیت توزیع و اعمال قدرت در جهان چندقطبی امروزی وجود نداشت. باین حال، آنچه واضح است، ظهور قدرت‌های جدیدی است که به دنبال نقش سیاسی جهانی به نسبت افزایش نفوذ اقتصادی خود هستند. شماری از این کشورها به عنوان اعضای بریکس شناخته می‌شوند. از جمله؛ برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی - که قدرت‌های درجه دوم؛ مانند ایران، اندونزی، ترکیه و مکزیک را می‌توان به آن‌ها اضافه کرد، این کشورها «قدرت‌های نوظهور» یا «قدرت‌های جدید» به شمار می‌آیند (Pinar.2012: 4).

در یک تعریف کامل‌تر می‌توان گفت؛ «قدرت‌های نوظهور» به کشورهایی گفته می‌شود که ظرفیت‌های مادی فزاینده آن‌ها، تأثیر بالقوه‌ای بر نظام بین‌الملل بگذارد و همچنین بر جایگاه مسلط قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار باشند. هنگامی که از قدرت‌های نوظهور سخن به میان می‌آید، کارشناسان و تحلیلگران این واژه را برای کشورهای عضو «بریکس»^۱ به کار می‌برند که شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌شود. در واقع، ورود قدرت‌های نوظهور موسوم به «بریکس»، یکی از برجسته‌ترین عناصر در پیکربندی قدرت‌های معاصر را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۰۰، اقتصاد قدرت‌های نوظهور و کشورهای درحال توسعه، ۳۷ درصد از اقتصاد جهانی و ۶۷ درصد از اقتصادهای توسعه‌یافته را تشکیل می‌داد. در پایان سال ۲۰۱۰، قدرت‌های نوظهور ۴۷ درصد و کشورهای پیشرفته ۵۳ درصد از اقتصاد جهانی را دربرمی‌گرفتند که به نظر می‌رسید در سال‌های آتی، رشد اقتصادی قدرت‌های نوظهور به قدرت‌های برتر برسد. این امر برای برخی از کشورها، به سرعت در حال رشد است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور عضو بریکس، اخیراً از نظر تولید ناخالص داخلی به مقام اول در رتبه‌بندی قدرت اقتصادی رسیده است. افزون بر این، بخشی از تولید جهانی هفت کشور صنعتی طی دهه

^۱. BRICS

گذشته از ۴۹ به ۴۰ درصد کاهش یافته است. همچنین میزان رشد ثبت شده در قدرت های نوظهوری مانند چین، هند و برزیل در شاخص های ارتش، رشد اقتصادی، علمی و فناوری افزایش وزن آن ها را در روابط المللی به ارمغان آورده است (vercauteren.2015: 101).

به طور کلی نظریه قدرت های نوظهور یک مفهوم در روابط بین الملل است که به توصیف و تحلیل نقش و تأثیر قدرت های نوظهور در سیاست جهانی می پردازد؛ این نظریه بر انگاره مبتنی بر نسبت برقرار میان تحولات جهانی و قدرت های نوظهور و نیز تحول در توزیع قدرت بین کشورها تأکید دارد. نکته قابل ذکر این که قدرت های نوظهور معمولاً به کشورهایی اشاره دارند که در سال های اخیر رشد اقتصادی و نظامی چشمگیری داشته اند و نقش مهمی در امور بین المللی ایفا می کنند؛ این کشورها ممکن است منابع غنی، نیروی نظامی قدرتمند، تکنولوژی پیشرفته یا تأثیر فرهنگی بزرگی داشته باشند (Smith.2015:4). به تعبیر «کوسلک»^۱ (۲۰۰۴)، مفهوم قدرت نوظهور، فرایندی تاریخی را در زمان خودش چارچوب بندی می کند که از طریق تفاسیر قدیمی تر و سایر مفاهیم در نظریه های روابط بین الملل مانند نیمه پیرامونی، قدرت های میانی و قدرت های منطقه ای به یک مناقشه مداوم در سطح بین الملل تبدیل می شود تا پیامدهای سیاسی موقعیت میانی دولت های خاص را در نظام بین الملل نشان دهد. به این معنا، درک تلفیقی از دولت های میانی در نظریه روابط بین الملل که ذیل مفاهیم نیمه پیرامونی، قدرت های میانی و قدرت های منطقه ای انجام می شود، در واقع، بخشی از درک نقش نظری واژه قدرت نوظهور است (Paes, Cunha and Fonseca.2017:76). در همین راستا، یکی از نمونه های نخستین برخاسته از الگوی استفاده از واژه قدرت نوظهور در شکل زیر نشان داده شده است که قدرت نوظهور را به عنوان کشوری با مجموعه ای از ظرفیت های مادی و غیرمادی و نظامی همراه با یک رفتار سیاسی منحصر به فرد به مثابه کنشگری تجدیدنظرطلب در نظم بین الملل تعریف می کند. همچنین شایان ذکر است بر اساس این تعریف، ادعای قهرمان بودن به نوبه خود برای این تعریف کافی نیست و بایستی با یک یا چند ویژگی مادی دیگر که بر اثربخشی دلالت دارد، همراه باشد و ویژگی محتوایی آن نیز غالباً با عدم تعلق به ارزش های وضع موجود هژمونیک مشخص می شود (FONSECA, pAES and UNHA.2016:61).

¹. Koselleck

جدول ۱. مفاهیم مربوط به قدرت‌های نوظهور

دسته‌بندی	نویسندگان/مؤسسات	تعریف تقریبی	کشورها
(Pivotal states)	چیس، هیل و کندی	شرکای غیرعضو OECD ایالات متحده که توسعه منطقه‌ای را تعیین می‌کنند.	الجزایر، مصر، برزیل، هند، اندونزی، مکزیک، پاکستان، آفریقای جنوبی، ترکیه
Anchor countries	DIE (Stamm)	شرکای غیرعضو OECD در سیاست توسعه آلمان که توسعه منطقه‌ای را تعیین می‌کنند	آرژانتین، برزیل، چین، مصر، هند، اندونزی، ایران، مکزیک، نیجریه، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، تایلند، ترکیه
محرك‌های جدید تغییرات جهانی	DIE (Messner & Humphrey)	قدرت‌های بزرگ در حال ظهور که به‌شدت بر حکومت جهانی تأثیر می‌گذارند.	چین، هند
BRICS	گلدمن ساکس	رهبران جهانی جنوب که به‌شدت در حال رشد هستند و منابع لازم برای تأثیرگذاری بر حکومت جهانی را در اختیاردارند.	برزیل، چین، هند، روسیه، آفریقای جنوبی
BRICSAM	گلدمن ساکس	قدرت‌هایی که به‌شدت در حال رشد هستند و منابع لازم برای تأثیرگذاری بر حکومت جهانی را در اختیاردارند.	برزیل، چین، هند، مکزیک، روسیه، آفریقای جنوبی، (اندونزی)
BRIC	گلدمن ساکس	اقتصادهای نوظهور بزرگ که تا سال ۲۰۵۰ که جهان اول و محرك های رشد جهانی را به چالش خواهند کشید.	برزیل، چین، هند، روسیه
N-11	گلدمن ساکس	اقتصادهای نوظهور غیرعضو OECD که بسیار کوچک‌تر از بریکس هستند.	بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مکزیک، نیجریه، پاکستان، فیلیپین، کره جنوبی، ترکیه، ویتنام
Leading powers	SWP	رهبران موقت در حوزه های سیاستی واحد با پتانسیل ساختارسازی و ساختار شکنی، شرکای سیاست خارجی آلمان	استرالیا، برزیل، هند، مکزیک، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، تایلند

آرژانتین، بریتانیا، ژاپن، پاکستان، عربستان سعودی، کره جنوبی، اوکراین	کشورهایی که با همسایگان قوی روبرو هستند و مشتاق شرکای موازنه‌کننده خارجی هستند	هانتینگتون	Secondary regional powers
برزیل، چین، هند، ایران، ژاپن، آفریقای جنوبی	کشورهای مسلط منطقه ای و رهبران منطقه خود	GIGA	Regional powers

Source: Scholvin (2010): 15

باتوجه به جدول (۱) می‌توان گفت نظریه قدرت‌های نوظهور بر این انگاره تأکید دارد که توانایی و تأثیر قدرت‌های نوظهور در سیاست جهانی به سرعت در حال افزایش است و این قدرت‌ها ممکن است نقش مهمی در تعیین سیاست‌ها، روابط بین‌الملل و توزیع قدرت جهانی داشته باشند. این نظریه به تحلیل روابط بین‌الملل، تعاملات بین قدرت‌های سنتی و نوظهور و تأثیرات آن در دینامیک‌های جهانی می‌پردازد. بنابراین استفاده از این نظریه در درک سیاست خارجی و راهبردهای قدرت‌های نوظهور در نظام بین‌المللی می‌تواند قابل توجه و مهم باشد. روسیه و چین از جمله این قدرت‌های نوظهور اند به دنبال برهم زدن موازنه قدرت جهانی به نفع خود هستند. این قدرت‌ها با توجه به اهمیت خاورمیانه همواره در تلاش برای گسترش به کارگرفتن راهبردهای ویژه خود جهت افزایش قدرت و نفوذشان در این منطقه بوده‌اند. در پژوهش حاضر از چارچوب مفهومی قدرت‌های نوظهور جهت تبیین و بررسی راهبردهای دو قدرت نوظهور یعنی روسیه و چین در خاورمیانه استفاده شده است.

۱. سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک روسیه

خاورمیانه در طول تاریخ برای روسیه اهمیت بسیاری داشته است. در حال حاضر نیز مسکو به دلیل افزایش توان امنیتی و کسب و حفظ منافع ملی و نیز به دست آوردن سهمی از خلأ قدرتی که در منطقه پیداشده است قصد دارد بر دیگر رقیبان مانند چین و هند غلبه کند و نقش آفرینی بیشتری در این حوزه به دست آورد.

در چند سال گذشته، روسیه به طور استراتژیک نفوذ خود را در خلیج فارس، منطقه‌ای که از لحاظ تاریخی تحت تسلط قدرت‌های غربی است، گسترش داده است (kozhanov.2016). سیاست خارجی روسیه دو هدف اصلی را در خاورمیانه دنبال می‌کند. هدف اول حراست و حفاظت از حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه به عنوان یک قدرت جهانی کشورهای عربی دارای ذخایر نفت، خواهان برقراری روابط با کشورهای در حال توسعه و گسترش روابط با آمریکا و اروپا می‌باشند. افزون بر این موضوع‌های پر تنش

منطقه مانند مسئله رژیم صهیونیستی و یا حتی اسلام سیاسی تکفیری و افراط‌گرایان جهادی توجه سیاست خارجی روسیه را به خود جذب می‌کند (Tatar.2016).

هدف دوم افزایش قدرت جهانی روسیه با بهره‌گیری از بحران‌های منطقه‌ای است؛ برای نمونه روسیه که ابتکار عمل زیادی در سرنگونی دولت قذافی در لیبی نداشت در بحران سوریه نقش فعالی ایفاء کرد (Ersen.2014: 80). به‌طور کلی هدف کلان روسیه در خاورمیانه، ایجاد و تثبیت وضعیت و نقش این کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ خارجی در یکی از مهم‌ترین مناطق حیاتی جهان است؛ بنابراین برای تحقق این هدف کلان از سه راهبرد اصلی یعنی تقویت و توسعه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه، دستیابی به رهبری منطقه‌ای با تمرکز بر قدرت نظامی و القای تصویر مثبت از خود در منطقه از طریق برخی سیاست‌های همکاری‌جویانه در منطقه بهره می‌گیرد. نکته حایز اهمیت این که راهبردهای روسیه در جهان متغیر در خلال نبرد میان روسیه و اوکراین و نیز سوریه تحریرالاشام همچنان ذیل این سه اصل بنیادین قابل فهم است؛ درعین حال فهم سیاست خارجی روسیه در منطقه غرب آسیا را در ارتباط با کشورهای منطقه‌ای یعنی ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی سنجید.

ایران: ایران شریکی مهم و کلیدی برای روسیه در خاورمیانه است. همکاری‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی ذیل توافق‌ها و قراردادهای دو و چندجانبه به این دو کشور امکان نقش‌آفرینی مشترک را در منطقه بخشیده است. تاریخ همکاری ایران و روسیه در سوریه دوره اسد را باید یکی از نقش‌آفرینی‌های مشترک این دو در منطقه دانست که به نوبه خود پیشینه‌ای قابل تأمل است. افزون بر این همکاری روسیه و ایران در زمینه‌های هسته‌ای و مقابله با تهدیدات مشترک مانند تروریسم از جنبه‌های رابطه این دو قدرت هستند. روسیه به حمایت از برنامه هسته‌ای ایران ادامه می‌دهد و درعین حال، از تهدیدات امنیتی آمریکا در منطقه نیز بهره‌برداری می‌کند (Gurevich).

رژیم صهیونیستی: روسیه روابط پیچیده‌ای با رژیم صهیونیستی دارد. حمایت روسیه از اسد در سوریه سیاست قدیمی این کشور در خاورمیانه بود که با سقوط او به خروج روسیه و کم‌رنگ شدن حضورش در خاورمیانه و در نزدیکی مرزهای رژیم صهیونیستی انجامید. این رخداد به بازبایی ارتباط روسیه با رژیم منتهی‌گردید که تأمین امنیت منافع خود در خاورمیانه را با ایجاد نفوذ بر سیاست‌های رژیم صهیونیستی دنبال نماید. این مهم را باید در ارتباط با یهودیان روسیه نیز رصد نمود چرا که جامعه یهودی در روسیه به‌عنوان یک نیروی

تأثیرگذار بر روی روابط این دو دولت مؤثر است. همکاری‌های نظامی و اقتصادی در زمینه‌های فناوری میان این دو نیز از دیگر جنبه‌های این روابط است (kaczmarek.2021). ترکیه: ترکیه و روسیه روابطی متقابل و استراتژیک دارند؛ همکاری در زمینه انرژی به‌ویژه پروژه‌های گاز و نفت از جنبه‌های بارز این روابط است. در این میان چیزی که روابط این دو دلت را تحت تأثیر قرار می‌دهد تنش‌های مربوط به سلفی‌های اخوانی در قفقاز جنوبی و نیز بحران‌های سوریه و مسائل ژئوپلیتیک قفقاز است. منافع ترکیه که در سوریه در تضاد با روسیه بود حضور این قدرت را با حضور نظامی نیروهای تحت حمایتش به ضرر روسیه به پایان رساند و زمینه تنش جدید را در ارتباط با روسیه گشود. نکته پایانی این که ترکیه با حمایت غرب امروزه به‌عنوان رقیب روسیه مطرح است و این دو کشور در تلاش‌اند تا بر نفوذ یکدیگر در مناطق حساس تأثیر بگذارند و از عدم توازن قدرت در این نواحی بهره‌برداری نمایند (Antonov.2022).

سیاست خارجی روسیه در قبال این سه کشور نشان دهنده تلاش برای حفظ توازن قدرت و تأمین منافع ملی این کشور در خاورمیانه است. روسیه سعی دارد با همکاری و رقابت در زمینه‌های مختلف، نفوذ خود را در این منطقه افزایش دهد و از هر فرصتی برای پیشبرد سیاست‌های خود استفاده کند.

راهبرد تقویت و توسعه روابط اقتصادی روسیه. روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران مهم در منطقه خاورمیانه، سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک خاصی را در حوزه اقتصادی این منطقه انتخاب کرده است. برخی از سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک روسیه در حوزه اقتصادی خاورمیانه عبارت‌اند از؛ اقتصاد انرژی، توسعه مبادلات تجاری، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیرساختی. خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) یک منطقه هدف آشکار برای دیپلماسی انرژی روسیه است (al-Fawwaz.2018:12). یکی از جنبه‌های کلیدی که باید در نظر گرفت، بعد اقتصادی تعامل روسیه در خلیج فارس است. به‌عنوان یک بازیگر اصلی انرژی، همکاری روسیه با کشورهای خلیج فارس، به‌ویژه در بخش نفت و گاز، می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد. (کلیمن، ۲۰۱۵) از این رو روسیه درصدد است تا با بیرون راندن رقبای از منطقه، به یک تولیدکننده بزرگ انرژی در آسیا تبدیل شود. درواقع خاورمیانه زمانی موردتوجه مسکو قرار گرفت که تصمیم گرفت از شرط‌بندی‌های خود در بخش انرژی جلوگیری کند و کنترل بیشتری بر بازارهای جهانی به دست آورد. برای این منظور، روسیه همکاری دوجانبه سودمند با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را دنبال

کرد تا بازار را قابل پیش‌بینی تر کند (Insightturkey.2018). بدین سبب پس از درگیری بین روسیه و غرب، مسکو راهبردی را در پیش گرفت تا صنعت انرژی خود را به ابزار سیاست خارجی با تمرکز بر خاورمیانه تبدیل کند.

در پس‌زمینه بی‌ثباتی در صنعت انرژی جهانی، مسکو به دنبال تثبیت سهم خود از بازار و اطمینان از پایان یافتن جریان درآمد حاصل از تجارت نفت است. روسیه با در نظر گرفتن این موضوع، سیاستی را دنبال می‌کند که رقبای طبیعی خود در خاورمیانه را درگیر کند تا بازارها را به طور عادلانه و بر اساس اصول سودمند متقابل بین رقیبان منطقه‌ای تقسیم کند. در همین راستا مسکو یک توافق تقریباً غیرممکن با عربستان سعودی برای کاهش تولید نفت مذاکره کرد و برخلاف تمام انتظارات، برای حفظ منافع خود در بازار گاز اروپا، با ترکیه صلح کرد (Smagin.2023). از مهم‌ترین راهبردها و سیاست‌های روسیه در حوزه اقتصاد انرژی در خاورمیانه، یافتن بازارهای جدید برای فروش نفت و گاز، جذب سرمایه برای اقتصادی که سرمایه آن از سوی غرب به دلیل تحریم‌ها خشک شده است. البته شایان ذکر است که آینده اقتصاد انرژی روسیه در منطقه به عوامل مختلفی از جمله؛ انعطاف پذیری صنعت شیل آمریکا در برابر شرایط قیمت پایین نفت و همچنین آینده توافق هسته‌ای ایران (Mammadov.2018:12) بستگی خواهد داشت.

راه‌حل جایگزین سرمایه‌گذاری مشترک و توسعه پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی و بادی نیز از دیگر ایده‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری روسیه در حوزه اقتصاد انرژی است. روسیه پتانسیل زیادی برای انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه با منابع خورشیدی و بادی دارد. در خشکی عظیم روسیه فضای زیادی برای توربین‌های بادی و مزارع خورشیدی وجود دارد (KOZHANOV.2021). این پیشنهاد برای کشورهایی نظیر عربستان سعودی، امارات و قطر که به دنبال جایگزینی انرژی هستند مورد توجه قرار گرفت (Issaev.2021).

قابل توجه است که مبادلات تجاری و بازرگانی بین روسیه و کشورهای خاورمیانه سهم زیادی در راهبرد توسعه اقتصادی این کشور در منطقه و همچنین تقویت روابط بین‌المللی دوجانبه آن دارد. در واقع روسیه به دنبال توسعه روابط تجاری با کشورهای خاورمیانه است و می‌کوشد حجم تجارت و صادرات خود را با این منطقه گسترش دهد (Avdaliani.2023). علاوه بر صادرات و واردات حوزه انرژی، این کشور به ویژه در حوزه صنایع غذایی، فروش تجهیزات نظامی، فولاد و محصولات کشاورزی و فناوری به کشورهای خاورمیانه فعال است. این حجم از مبادلات با وقوع جنگ اوکراین نیز نتوانست تأثیر منفی آشکاری بر روابط

تجاری روسیه با کشورهای منطقه داشته باشد. در واقع برخلاف روابط روسیه با ایالات متحده و اروپا، حمله پوتین به اوکراین منجر به تجدیدنظر عمیق در روابط مسکو با کشورهای خاورمیانه نشد. حتی شاید بتوان گفت، جنگ بیشتر نقش یک کاتالیزور را ایفا کرد که به برخی از فرآیندهای قدیمی در روابط روسیه با منطقه سرعت بخشید و راهبردهای خاصی را در اولویت‌های از پیش تعیین شده آن تغییر داد. از این رو در سال ۲۰۲۲-۲۰۲۳، شدت تماس میان روسیه و کشورهای خاورمیانه افزایش یافت. در همین راستا افزایش قابل توجهی در تجارت بین روسیه و منطقه، در درجه اول با ترکیه، امارات متحده عربی و ایران به وجود آمد (Ispionline¹, 2023).

علاوه بر موارد بالا، سرمایه‌گذاری روسیه در پروژه‌های زیرساختی در خاورمیانه در دهه گذشته نیز روند روبه‌رشدی را نشان داده است. روسیه به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در منطقه، کوشیده است تا ارتباط و همکاری‌های اقتصادی خود را با کشورهای خاورمیانه گسترش دهد. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در زمینه‌های زیرساختی انرژی، حمل‌ونقل، صنعت، حفاری و استخراج و ساختمان صورت گرفته است (Smagin.2023). یکی از پروژه‌های مهم حمل‌ونقل در این منطقه توسط روسیه انجام شد، کریدور شمال - جنوب است. کریدور شمال - جنوب، یک مسیر ریلی برنامه‌ریزی شده است که روسیه را از طریق ایران به اقیانوس هند متصل می‌کند (Al-fawwaz.2018:3). این مسیر برای مسکو از این چشم‌انداز اهمیت می‌یابد که می‌تواند برای جابه‌جایی آزادانه کالاها به مقصدهای مختلف از آن بهره‌برداری کند. نقش ایران به‌عنوان کانون اتصال در این کریدور بسیار حائز اهمیت است.

برخی دیگر پروژه‌های مهم روسیه در خاورمیانه که سرمایه‌گذاری زیادی برای تحقق اهداف خود کرده است عبارت‌اند از؛ پروژه خط لوله گازی نورد ساواری، پروژه هسته‌ای بوشهر در ایران، پروژه خط لوله گازی ترکمنستان - ایران - روسیه، پروژه خط لوله نفتی کردستان و پروژه‌های ساختمانی در سوریه (Nakhle.2024:4). این موارد چند نمونه از پروژه‌های سرمایه‌گذاری روسیه در خاورمیانه هستند. سرمایه‌گذاری روسیه در این پروژه‌ها نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های منطقه ایفا کرده و روابط اقتصادی بین روسیه و کشورهای خاورمیانه را تقویت کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت، روسیه نقش مهم و تأثیرگذاری در حوزه اقتصادی خاورمیانه دارد و تلاش مستمری نیز جهت تقویت حضور و تأثیر خود از طریق روابط اقتصادی و تقویت همکاری‌های تجاری در این منطقه را دارد.

¹. Istituto per gli Studi di Politica Internazionale

راهبرد جستجوی رهبری منطقه‌ای با تمرکز بر نیروی نظامی و خدمات

لجستیکی. درگیری و تنش در سراسر خاورمیانه همواره موضوع اول و ادامه دار در این منطقه است. این درگیری‌ها فرصت‌های مناسبی را برای قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای جهت تحقق اهداف و افزایش نفوذ آن‌ها در خاورمیانه ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه امریکا به‌عنوان مهم‌ترین قدرت فرمانطقه‌ای در خاورمیانه شناخته می‌شود، اما نمی‌توان از نقش و حضور مستقیم قدرت‌های نوظهوری نظیر روسیه از طریق قدرت تقویت قدرت نظامی در منطقه و حمایت از قدرت‌های درگیر و همسو با منافع خود، میانجی‌گری در حل و فصل‌های منطقه‌ای از جمله سیاست‌های روسیه در جهت به چالش کشیدن قدرت امریکا در منطقه و جستجوی رهبری منطقه‌ای است؛ بنابراین در این راستا، در پس‌زمینه تشدید تنش بین ایران و نیروهای نیابتی آن با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در منطقه، مسئله رقابت طولانی‌مدت بین قدرت‌های بزرگ (روسیه و غرب) در منطقه در پوسته حمایت از یکی از طرف‌های درگیر (روسیه به نفع و حمایت از ایران) مطرح است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به نوبه خود، معتقد است که در حال جنگیدن با ایالات متحده است و خاورمیانه عرصه‌ای است که به باور وی روسیه می‌تواند این رقابت را به پیروزی تبدیل کند (Liu.2023:8). در واقع روسیه به‌عنوان یک حامی قوی برای کشورهای محور مقاومت، همچون سوریه و ایران، عمل می‌کند و تلاش می‌کند تا این کشورها را در مقابل فشارهای خارجی حفظ کند. از طرفی دیگر روسیه برای دستیابی به قدرت بانفوذ فرمانطقه‌ای، از طریق همکاری با دیگر بازیگران منطقه‌ای، از جمله ایران، ترکیه و عربستان سعودی، در صدد تقویت روابط خود با این کشورها دارد. همچنین روسیه به تأثیرگذاری در روابط سیاسی منطقه‌ای، از جمله بین کشورهای عرب و رژیم صهیونیستی، علاقه دارد و سعی در تعادل قدرت در منطقه دارد (Liu.2023:9). اما مهم‌ترین سیاست روسیه در خصوص راهبرد رهبری منطقه‌ای با استفاده از درگیری‌های این منطقه، حضور نظامی در آن و پشتیبانی لجستیکی این کشور از دولت‌های درگیر است.

پیش از تهاجم تمام‌عیار به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، خاورمیانه و شمال آفریقا به‌عنوان دومین بازار مهم تسلیحاتی روسیه مطرح شده بودند. بدین ترتیب روسیه همچنان بر فروش تسلیحات در خاورمیانه، که با فروش سنتی غالب غرب رقابت می‌کند، تمرکز کرده است. در فوریه ۲۰۲۱، سرویس فدرال همکاری‌های فنی-نظامی روسیه اعلام کرد که صادرات نظامی به خاورمیانه طی پنج سال گذشته حدود ۶ میلیارد دلار در سال یا بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از

کل صادرات نظامی بوده است. روسیه همچنین تا سال ۲۰۲۱ به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات الجزایر ظاهر شد؛ به‌ویژه با تأمین برخی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های آن مانند هواپیماهای جنگنده از جمله سوخو ۵۷ (Borshchevskaya.2024). از طرفی دیگر علاوه بر ارسال تسلیحات نظامی حضور و نفوذ نظامی روسیه با گسترش حضور نظامی گروه واگنر در خاورمیانه پیگیری می‌شود. روسیه در سوریه پسااسد، به رغم مخالفت تحریرالشام، می‌کوشد همچنان حضور خود را در پایگاه‌های روسی طرطوس و حمیمیم حفظ کند، و همچنان به دنبال دسترسی به پایگاه دریایی در لیبی است. لیبی یکی از نقاط کانونی فعالیت‌های روسیه در خاورمیانه طی پنج سال گذشته بوده است. گزارش‌ها در پایان سال ۲۰۲۳ حاکی از آن بود که روسیه پس از دیدار پوتین در ۲۸ سپتامبر با خلیفه حفتر، فرمانده نظامی شرق لیبی، در حال پیشبرد طرح‌هایی برای به دست آوردن حقوق اسکله در پایگاه دریایی در شرق لیبی، به احتمال زیاد، در طبرق است (Borshchevskaya.2024).

جدول ۲. جایگاه روسیه در صادرات تسلیحات نظامی

کشور	سهم صادرات جهانی سلاح (۲۰۱۷-۲۰۱۳)	سهم صادرات جهانی سلاح (۲۰۲۲-۲۰۱۸)
ایالات متحده آمریکا	٪۳۳	٪۴۰
روسیه	٪۲۲	٪۱۶
فرانسه	٪۷	٪۱۱
چین	٪۶	٪۵
آلمان	٪۶	٪۴

Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

این جدول کلی نشان می‌دهد که اگرچه توانایی روسیه برای صادرات تسلیحات به خاورمیانه ممکن است در درازمدت محدود شود، اما مسکو همچنان به این منطقه توجه دارد که آن را بازیگر مهمی در ایجاد تعادل در رقابت قدرت‌های بزرگ می‌داند. فروش تسلیحات همچنان در نوک نیزه سیاست خارجی مسکو در این رقابت بوده و خواهد بود. در مجموع حضور نظامی روسیه در خاورمیانه بر سه ستون استوار است که عبارت‌اند از: فروش تسلیحات (همراه با تمرین‌های نظامی مشترک)، دسترسی به پایگاه‌های نظامی و استفاده از نیروهای شبه‌نظامی (عمدتاً گروه واگنر) است. (گل محمدی و آرام، ۱۴۰۲: ۹).

راهبرد تصویرسازی مثبت در منطقه. تصویر هر کشوری بنا بر سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدام‌های داخلی و بین‌المللی آن کشور شکل می‌گیرد. مدیریت تصویر بین‌المللی امروزه از اصول اساسی کشورداری جدید و مبنای نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ملت‌ها است و اولویت‌ها و ایده‌های ارزشی، هویتی و فرهنگی کشور موردنظر را بین‌المللی کرده و ارزش دیداری - شنیداری آن را در بین مردم دیگر، افزایش می‌دهد. روسیه با تاریخ و هویتی چندهزارساله مورد خوبی برای مطالعه در این زمینه است (ولی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲). این کشور برای القای تصویر مثبت در خاورمیانه از سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک مختلفی از جمله؛ همکاری در مبارزه با تروریسم از طریق کمک‌های نظامی، ارائه کمک‌های انسانی و اقتصادی، حضور نظامی به‌عنوان یک قدرت حافظ امنیت در منطقه، تسهیل توافقات صلح و مذاکرات و دیپلماسی عمومی استفاده می‌کند.

بدین ترتیب می‌توان گفت؛ روسیه به همکاری با کشورهای خاورمیانه در مبارزه با تروریسم علاقه دارد و سعی در ایجاد تعاون مشترک برای مقابله با گروه‌های تروریستی دارد. در واقع روسیه با ارائه کمک‌های نظامی، تأمین تجهیزات و آموزش نیروهای محلی، و همکاری در زمینه‌های مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت، سعی در ایجاد تصویر خود به‌عنوان یک قدرت همکار و همراه با کشورهای منطقه دارد (Liu, 2020: 12). همچنین روسیه تلاش دارد با حفظ و گسترش حضور نظامی خود در منطقه، از جمله ایجاد پایگاه‌های نظامی در سوریه و دیگر کشورهای خاورمیانه، خود را به‌عنوان یک قدرت نظامی مؤثر و متعهد در حفظ امنیت منطقه نشان دهد (Sputnik News, 2022). در سطحی دیگر روسیه تلاش می‌کند با ایفای نقش دیپلماتیک در منطقه، به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهان شناخته شود. این کشور می‌کوشد در بحران اعراب و رژیم صهیونیستی و نیز آینده لیبی و سوریه نقش فعالی داشته باشد (liu, 2025) روسیه به پذیرش نقش متعادل‌کننده و سازنده در منطقه علاقه‌مند است و سعی در ارائه پیشنهادهای سازنده برای حل مسائل منطقه‌ای دارد؛ این کوشش منجر به القاء تصویر مثبت از این دولت می‌شود. براساس این تصویر روسیه می‌کوشد به‌عنوان دولتی که در راستای ترویج صلح و استقرار امنیت در منطقه علاقه دارد و درگیر حل‌وفصل منازعات و میانجیگری میان کشورها است شناخته شود. افزون بر این ذیل تلاش‌های بشردوستانه روسیه به ارائه کمک‌های انسانی و اقتصادی به کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه در زمان‌های بحران، توجه ویژه‌ای دارد و سعی می‌کند تا تصویر مخدوش بین‌المللی خود را در قالب کمک‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای در خاورمیانه ترمیم سازد. بازسازی چهره

روسیه در منطقه پسااسد کاری دشوار برای این دولت است. این رویه با توجه به واقع گرایی سیاست خارجی روسیه که مبتنی بر منافع اقتصادی، راهبردی و نظامی آن است قابل جبران به نظر می‌رسد. این اتفاق را باید در امتداد تغییر سیاست های کاخ سفید پس از بایدن سراغ گرفت که ممکن است به نزدیکی میان ترامپ و پوتین بیانجامد. نزدیکی این دو چهره، از طریق مذاکره برای پایان نبرد در اوکراین و کم رنگ تر شدن گسترش ناتو که در سیاست های اعلامی ترامپ دیده می‌شود، می‌تواند بر جایگاه روسیه در خاورمیانه موثر باشد و این دولت وجهه بازرفته را بازیابد.

۲. سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک چین

در حال حاضر، روابط چین با خاورمیانه دارای سه بعد است: نگرانی‌های اقتصادی، سیاسی بین‌المللی و امنیت داخلی/منطقه‌ای. در ارزیابی هر یک از این ابعاد، روابط ناآرام چین با خاورمیانه به دلیل برخورد منافع اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی در منطقه قابل برجسته سازی است. ژاپن و کره جنوبی شرکای اصلی اقتصادی خاورمیانه در شرق آسیا در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بودند. اما در ادامه چین به آرامی به شریک اقتصادی بسیار مهم تبدیل شد زیرا وابستگی آن به منابع انرژی منطقه از دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت. منافع اقتصادی چین در خاورمیانه بر چهار جنبه متمرکز است: انرژی، تجارت، نیروی کار خدماتی و صنعت ساخت‌وساز/سرمایه‌گذاری. چین به دنبال رشد تصاعدی صنایع خود به واردکننده انرژی تبدیل شده است (International Institute for Asian Studies, 2018). خاورمیانه بیش از نیمی از نفت موردنیاز چین را تأمین می‌کند و در مقابل، چین بزرگ‌ترین خریدار نفت خاورمیانه و شمال آفریقا است. ۲ علاوه بر این، خاورمیانه یکی از مناطق مرکزی طرح کمربند و جاده (BRI) چین است که توسط رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد. BRI سیاست خارجی فعالانه چین است که هدف آن هدایت سرمایه داخلی بیش‌ازحد و ایجاد اشتغال است. برای نیروی کار ماهر و غیر ماهر چین و تقویت وابستگی‌های متقابل دوجانبه در آسیا، اروپا و آفریقا. BRI خاورمیانه را از طریق سیاست‌های سرمایه‌گذاری زیرساختی عمده، مانند کانال سوئز، که در بخش «جاده دریایی» BRI مرکزی است، در برمی‌گیرد. رژیم صهیونیستی و ایران نیز در BRI گنجانده شده‌اند: ایران از طریق راه‌آهن تهران که به مسیر چین-پاکستان متصل می‌شود، و رژیم صهیونیستی از طریق پروژه Red-Med که هدف آن اتصال دریای سرخ به مدیترانه است (Lehr, 2017).

چین به عنوان یک بازیگر مهم در خاورمیانه ظاهر شده و پویایی امنیت منطقه را از طریق افزایش مشارکت تغییر شکل داده است. منافع چین در منطقه فراتر از منابع سنتی انرژی است و ملاحظات اقتصادی، ژئوپلیتیکی و استراتژیک را دربر می‌گیرد. در واقع، چین برای فعالیت‌های اقتصادی خود با اکثر کشورهای خاورمیانه، مشارکت‌های استراتژیک و یادداشت تفاهم امضا کرده است. این روند جدیدی نیست. چین روابط نزدیک تری با سازمان‌های منطقه‌ای مختلف در دو دهه گذشته برقرار کرد، از جمله گفت‌وگوی استراتژیک شورای همکاری چین و خلیج فارس (GCC) در سال ۲۰۱۰ و حتی قبل از آن، مجمع همکاری چین و کشورهای عربی (CASCF) در سال ۲۰۰۴. در همین حال، آن در سال ۲۰۱۶ سیاست کاغذ عرب نقشه راه منافع و سیاست‌های منطقه‌ای این کشور بوده است (Georgetown Journal of International Affairs. 2022). بنابراین با توجه به منافع و نیازی چین به خاورمیانه این منطقه نقش و جایگاه بسیار مهمی در سیاست خارجی این کشور دارد. تلاش‌های چین در خاورمیانه همچون روسیه کسب بیشترین منافع و حوزه نفوذ در این منطقه است. فلذا برای رسیدن این هدف چند راهبرد در نظر دارد که هر کدام سیاست‌هایی را در ذیل هر راهبرد به کار گرفته است. در ادامه به بررسی راهبردهای سیاست خارجی چین در خاورمیانه می‌پردازیم. ولی در ابتدا بررسی جایگاه کشورهای منطقه از جمله ایران، ترکیه و اسرائیل در سیاست خارجی چین ضروری است.

رژیم صهیونیستی: چین به روابط خود با رژیم صهیونیستی اهمیت زیادی می‌دهد، به‌ویژه در زمینه‌های فناوری و سرمایه‌گذاری. چین به عنوان یک کشور با نیازهای انرژی بالا، به تأمین نفت از خاورمیانه و همکاری با رژیم صهیونیستی در زمینه فناوری‌های پیشرفته تمایل دارد. از سوی دیگر، چین در تلاش است تا از روابط خوب خود با کشورهای عربی نیز بهره‌مند شود و سازنده پروژه‌های زیرساختی باشد (Shichor. 2019).

ترکیه: ترکیه به عنوان یک کشور استراتژیک در جغرافیای سیاسی خاورمیانه و نقطه تماس بین آسیا و اروپا برای چین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چین و ترکیه به دنبال تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری هستند. پروژه «یک کمربند، یک راه» چین، شامل ترکیه به عنوان یک نقطه کلیدی در انتقال کالا بین آسیا و اروپا است و این موضوع به توسعه روابط دو کشور کمک کرده است (Karaca.sari. 2020).

ایران: ایران یکی از شرکای انرژی چین است. چین به عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران عمل می‌کند؛ این روابط در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی نیز گسترش یافته است. چین در

واکنش به تحریم های غرب علیه ایران، به حمایت از این کشور پرداخته و سعی کرده است تا روابط خود را در زمینه های مختلف تحکیم کند (Valikhani, 2021).

درواقع چین به این کشورها برای پیشبرد راهبردهای خود در منطقه خاورمیانه نیاز دارد. **راهبرد تقویت و توسعه روابط اقتصادی چین.** چین به عنوان یکی از قدرت های نوظهور جهانی، نقش مهمی در حوزه اقتصادی خاورمیانه دارد و سیاست ها و راهبردهای استراتژیک خاصی را برای تقویت حضور خود در این منطقه انتخاب کرده است. برخی از سیاست ها و راهبردهای استراتژیک چین در حوزه اقتصادی خاورمیانه عبارتند از: سرمایه گذاری های بزرگ، همکاری های اقتصادی، پروژه های زیرساختی، همکاری در حوزه های انرژی و ابتکار پروژه راه ابریشم جدید از جمله مهم ترین سیاست های حوزه اقتصادی چین در خاورمیانه است.

در حوزه سرمایه گذاری می توان گفت، چین به عنوان یکی از بزرگ ترین سرمایه گذاران خارجی در خاورمیانه شناخته می شود. این کشور به طور فزاینده ای در صنایع نفت، گاز، ساختمان های عظیم و زیرساخت های حمل و نقل در این منطقه سرمایه گذاری می کند (Habibi, 2020: ۵).

جدول ۳. میزان تجارت و سرمایه گذاری چین در شرکت های خاورمیانه

دوره زمانی	سرمایه گذاری	تعداد معاملات
Q1 2020	حدود ۱/۴ بیلیون دلار	حدود ۱۴ معامله
Q2 2020	حدود ۲۰۰ میلیون دلار	حدود ۱۷ معامله
Q3 2020	حدود ۴۵۰ میلیون دلار	حدود ۱۳ معامله
Q4 2020	حدود ۳۵۰ میلیون دلار	حدود ۱۵ معامله
Q1 2021	حدود ۵۰۰ میلیون دلار	حدود ۲۰ معامله
Q2 2021	حدود ۳۰۰ میلیون دلار	حدود ۱۰ معامله
Q3 2021	حدود ۴۰۰ میلیون دلار	حدود ۱۴ معامله
Q4 2021	حدود ۱/۳۵ بیلیون دلار	حدود ۲۲ معامله
Q1 2022	حدود ۴۰۰ میلیون دلار	حدود ۱۱ معامله

Source: <https://jahaniandassociates.com/the-middle-east-and-china/>

از سال ۲۰۲۰، ۱۳۶ معامله برون مرزی بین سرمایه گذاران چینی و شرکت های مستقر در خاورمیانه اعلام شد که در مجموع ۹.۷ میلیارد دلار در آن ها مستقر شد. جدول فوق تعداد معاملات و سرمایه جذب شده در این دسته فرامرزی را نشان می دهد.

فناوری اطلاعات بخش پیشرو برای شمارش معاملات انجام شده توسط سرمایه‌گذاران چینی در شرکت‌های خاورمیانه بود. بیش از ۴۵ درصد از معاملات در این دسته‌ها در بخش فناوری اطلاعات بوده است، اگرچه کمتر از ۱۳ درصد از سرمایه‌گذاری را دریافت کرده است. بخش انرژی بیشترین استقرار سرمایه را با بیش از ۴۴ درصد دریافت کرد که بیشتر به دلیل معامله آرامکو عربستان بود. همچنین بخش مراقبت‌های بهداشتی از طریق ۲۷ درصد از معاملات انجام شده توسط سرمایه‌گذاران چینی، سرمایه قابل توجهی، ۲۷ درصد، دریافت کرد. این نشان‌دهنده سطح بالایی از علاقه سرمایه‌گذاران چینی به بخش مراقبت‌های بهداشتی خاورمیانه است (AHANI& WALDECK, 2023:3).

چین برای تقویت روابط اقتصادی با کشورهای خاورمیانه، توافق‌نامه‌های تجاری و اقتصادی بسیاری را امضا کرده است. این توافقات شامل تبادلات تجاری، همکاری در زمینه فناوری، سرمایه‌گذاری مشترک و تبادل دانش فنی می‌شود (Fleck, 2023). بدین سبب، چین تجارت خود را با این منطقه افزایش داد و در سال ۲۰۲۰، اتحادیه اروپا را به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری شورای همکاری خلیج فارس با تجارت دوجانبه جایگزین کرد. علاوه بر این، چین اکنون عربستان سعودی و امارات متحده عربی بزرگ‌ترین شریک تجاری غیرنفتی در جهان است و امارات دومین شریک تجاری بزرگ چین باقی‌مانده است. در عین حال، توافقنامه تجارت آزاد (FTA) با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در فهرست دستور کار دیپلماتیک چین قرار دارد (Georgetown Journal of International Affairs, 2023).

چین همچنین به‌عنوان یک کشور با توانمندی‌های فناورانه و مالی بالا، در پروژه‌های زیرساختی مختلف در خاورمیانه شرکت می‌کند. این پروژه‌ها شامل سدسازی، بندر، راه‌آهن و زیرساخت‌های حمل‌ونقل مختلف می‌شود (Fleck, 2023). علاوه بر سرمایه‌گذاری و همکاری در پروژه‌های زیرساختی، چین به دنبال تأمین منابع انرژی خود از خاورمیانه است و همکاری‌های بزرگ در زمینه نفت، گاز و انرژی هسته‌ای با کشورهای منطقه را توسعه می‌دهد. شایان‌ذکر است که، پکن برنامه‌های بزرگی برای گسترش ردپای دیجیتال خود به منطقه دارد. خاورمیانه نقش برجسته‌ای در جاده ابریشم دیجیتال چین ایفا می‌کند که تحت آن شرکت‌های چینی قراردادهای G5 را با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس منعقد کرده‌اند. چین همچنین در تقویت استراتژی‌های سایبری محلی با امارات متحده عربی همکاری می‌کند. این توافق‌نامه‌ها به انتقال چین به یک قدرت فناوری در بزرگی خود کمک می‌کند و برجسب «کپی‌کت» آن را تغییر می‌دهد. تمرکز بر فناوری برای هر دو طرف مهم

بوده است. در حالی که چین به دنبال گسترش نقش خود به عنوان یک قدرت با فناوری پیشرفته و استفاده از داده‌ها به عنوان ابزاری برای ارتقاء تحول و توسعه اقتصادی است، کشورهای خاورمیانه به طور فزاینده‌ای به دنبال دیجیتالی کردن و تنوع بخشیدن به اقتصاد خود هستند. در واقع، عربستان سعودی اکنون از سرمایه‌گذاری‌های چینی در زمینه فناوری و تحقیقات پیشرفته حمایت می‌کند. چین همچنین همکاری خود را با رژیم صهیونیستی در زمینه فناوری و زیرساخت افزایش داده است و نگرانی واشنگتن را در مورد همکاری امنیتی بین دو کشور افزایش داده است (Eslami & Papageorgiou, 2023:6). در نهایت با توجه به این سیاست‌ها ذیل راهبرد توسعه اقتصادی در خاورمیانه، چین در حوزه اقتصادی خاورمیانه نقش مؤثر و مهمی دارد و تلاش مستمر برای تقویت حضور و تأثیرگذاری خود در این منطقه دارد.

راهبرد جستجوی رهبری منطقه‌ای از طریق افزایش حضور و نفوذ سیاسی. برای جستجوی رهبری منطقه‌ای در خاورمیانه، چین در ذیل تحقق اهداف راهبرد جستجوی رهبری منطقه‌ای و تقویت جایگاه سیاست‌هایی نظیر؛ تقویت روابط دیپلماتیک، میانجی‌گری در اختلافات منطقه‌ای و توسعه نفوذ نظامی خود در منطقه را پیگیری می‌کند.

در راستای تقویت روابط دیپلماتیک و میانجی‌گری در اختلافات منطقه، با توجه به وابستگی به واردات نفت از منطقه، منافی در حفظ صلح و ثبات در خاورمیانه دارد. به طور هم‌زمان، کشورهای خاورمیانه به طور فزاینده‌ای اصل عدم مداخله و تعهد چین به حفظ منافع مشترک از طریق استقلال و خودمختاری را گزینه‌ای جذاب می‌دانند؛ زیرا آن‌ها به دنبال تنوع بخشیدن به روابط اقتصادی و امنیتی خود هستند. این رویکرد با تمایل کشورهای خاورمیانه برای خودمختاری و انعطاف بیشتر در روابط خارجی خود همسو است. از این رو، موقعیت چین به عنوان یک بازیگر بی‌طرف و غیرمتعهد در منطقه به پکن توانایی منحصر به فردی برای افزایش مشارکت خود در ارتقای صلح و تلاش‌های میانجی‌گری طی سال‌های اخیر در برخی از مهم‌ترین درگیری‌های منطقه، مانند درگیری‌های سوریه و یمن، مذاکرات صلح در افغانستان و البته مذاکرات برجام داده شده است. باین حال، بزرگ‌ترین دستاورد آن، تقویت توافق بین ایران و عربستان سعودی در سال ۲۰۲۳ بوده است (Eslami & Papageorgiou, 2023:9). این سیاست‌ها چین را به عنوان گزینه‌ای مطلوب جهت جایگزینی امریکا و قدرت‌های سنتی در منطقه امیدوار می‌کند.

این پیروزی‌های دیپلماتیک توانست تنش‌های منطقه‌ای را کاهش دهد و کشورهای خاورمیانه را به حوزه نفوذ پکن نزدیک کند. چین با حمایت از اینکه مبادلات نفتی به یوان انجام می‌شود،

تمایل عربستان سعودی و ایران برای پیوستن به برجام را تحریک می‌کند، و همچنین درصدد است برای «دلارزدایی» اقتصاد بین‌المللی تلاش کند و همچنین به دنبال چندقطبی بودن که اولویت اصلی سیاست خارجی آن است، ادامه می‌دهد از طرفی دیگر، چین تلاش می‌کند با برقراری روابط دوجانبه قوی با کشورهای خاورمیانه و با به ارائه کمک‌های اقتصادی و توسعه‌ای به کشورهای خاورمیانه، روابط خود را تقویت کند و به‌عنوان یکی از رهبران منطقه شناخته شود (Chaziza.2019:11). همچنین شایان ذکر است که، چین به همکاری با کشورهای خاورمیانه در

زمینه‌های امنیتی و نظامی علاقه دارد تا به‌عنوان یک رهبر امنیتی در منطقه شناخته شود. در همین حال، در حوزه نظامی، چین فروش تسلیحات خود را به خاورمیانه افزایش داده، تمرینات نظامی را با دو بازیگر برجسته منطقه (عربستان سعودی و ایران با همراهی روسیه) انجام داده و تولید تسلیحات مشترک را ترویج کرده است. این تحولات با توجه به بن‌بست روابط ایالات متحده با کشورهای خاورمیانه و امتناع این کشور از فروش تسلیحات پیشرفته‌تر به آن‌ها حیاتی است، شکافی که چین با صادرات سلاح‌های پیشرفته از جمله موشک‌های بالستیک دانگ فنگ و هواپیماهای بدون سرنشین وینگ لونگ بمب‌افکن برای پر کردن آن عجله کرده است. به چندین کشور منطقه‌ای. چنین صادراتی نشان می‌دهد که عرضه تسلیحات چین به کشورهایی که اغلب تحت تحریم‌ها یا تحریم‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند، تحت اصل عدم مداخله این کشور قرار می‌گیرد و این کشور را به صادرکننده ترجیحی برای کشورهای منطقه تبدیل می‌کند. با وجود این، سه کشور از خاورمیانه - ایران، عربستان سعودی و قطر - به عضویت سازمان همکاری شانگهای، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین سازمان همکاری منطقه‌ای که به‌عنوان وزنه تعادلی در برابر منافع آمریکا در اوراسیا تلقی می‌شود، شده‌اند. دیگران قبلاً تمایل خود را برای انجام این کار ابراز کرده‌اند که نشان‌دهنده همسویی قوی‌تر با پکن و مسکو و قصد مقابله بانفوذ آمریکا در منطقه وسیع‌تر است (Eslami & Papageorgiou.2023).

در مجموع می‌توان گفت، با توجه به راهبرد جستجوی رهبری منطقه‌ای چین و سیاست‌های موفقیت‌آمیز این کشور در این حوزه، موفق عمل کرده است.

راهبرد تصویرسازی مثبت در منطقه. با ظهور جهانی چین و نفوذ صلح‌آمیز آن، دولت چین اهمیت برندسازی ملی را از طریق سیاست‌های استراتژیک دیپلماسی فرهنگی و افزایش ظرفیت ملی قدرت نرم کشف کرده است (Wai-yip.2014:3)، از این رو چین در سال‌های اخیر سیاست‌های متعددی را در خاورمیانه برای القای تصویر مثبت از خود انجام داده است. سیاست‌هایی از جمله؛ پشتیبانی از صلح و ثبات در منطقه، تمرکز بیشتر بر نفوذ اقتصادی به جای

نفوذ نظامی، افزایش همکاری در زمینه های علمی و فناوری، پشتیبانی از حقوق بشر و همچنین توسعه و نفوذ رسانه های ملی در جهت ترویج زبان و فرهنگ چینی در خاورمیانه.

بدین ترتیب می توان گفت، چین به پشتیبانی از صلح و استقرار منطقه خاورمیانه علاقه دارد و تلاش می کند تا با حفظ امنیت و استحکام منطقه، تصویر مثبت خود را تقویت کند. در این راستا این کشور تأکید می کند که حل منازعات بین المللی در خاورمیانه باید بر اساس قوانین و مقررات بین المللی صورت گیرد. چین از رویکرد قانونی و دیپلماتیک برای حل اختلافات پشتیبانی می کند و رعایت حقوق بشر و استقلال ملی را مورد تأکید قرار می دهد. همچنین با تأکید بر اهمیت مذاکره و دیپلماسی، تشویق به حل و فرار از استفاده از راه های نظامی را در صدد برقراری صلح و ثبات در منطقه است (Alterman.2024). در واقع به تعبیر چینی ها «سه مؤلفه زشت» شامل تروریسم، جدایی طلبی ملی و افراط گرایی مذهبی چیزی است که آن ها دوست دارند از نظر امنیتی با آن ها مبارزه کنند (Subhan Husain & Sahide.2023:1)؛ بنابراین این سه مؤلفه که از عوامل مهم ایجاد ناامنی در خاورمیانه هستند، چینی ها در مبارزه با آن ها خود را داوطلب می دانند.

این کشور به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، سعی در تسهیل مذاکرات صلح و بهبود روابط بین المللی در خاورمیانه دارد. در واقع هرچند چین به دلیل منافع ملی خود که در گروه امنیت انرژی در خاورمیانه و عدم تسری ناامنی به جغرافیای نفوذ خود دارد؛ اما هم زمان در صدد است تا با حمایت از صلح منطقه ای و دوری از خشونت نظامی تصویری مثبت از خود در منطقه نشان دهد. یکی دیگر از عناصر کلیدی استراتژی چین برای رسیدن به قله قدرت با تصویرسازی مثبت از خود در خاورمیانه، تمرکز و ترویج عناصر فرهنگی این کشور است. فرهنگ یکی از مهم ترین عناصر طرح قدرت نرم چین است. استراتژی که توسط رئیس جمهور قبلی چین «هو جینتائو» تقویت شد. چین به ترویج فرهنگ و هنر خود در خاورمیانه علاقه دارد و سعی در ارائه برنامه ها و فعالیت های فرهنگی برای تبادل فرهنگی با کشورهای این منطقه دارد.

چین از طریق برگزاری هفته های فرهنگی، نمایشگاه ها، کنفرانس ها و تبادلات هنری با کشورهای خاورمیانه، روابط فرهنگی و هنری خود را با این منطقه تقویت می کند. این کشور همچنین با ارائه بورس های تحصیلی به دانشجویان خاورمیانه به منظور ترویج تبادل فرهنگی و ارتباطات آموزشی بین دانشگاه های دوجانبه نتایج مؤثری کسب کرده است (Eslami & Papageorgiou.2023). چین همچنین با انجام سیاست های مبتکرانه ای نظیر؛ کمک های پزشکی در

طول همه‌گیری کووید-۱۹، تمرکز بر حوزه گردشگری، ابتکارات آموزشی از طریق تبادل دانشگاه و همکاری، و ایجاد مؤسسات کنفوسیوس و ترویج زبان و فرهنگ بومی چینی در خاورمیانه است. همگی این ابتکارات در کنار استفاده از ابزار رسانه تلاشی برای ایجاد یک تصویر مثبت در منطقه و برجسته کردن نقش چین به‌عنوان یک قدرت مسئول و یک شریک قابل اعتماد است.

نتیجه‌گیری

در روند بررسی این پژوهش دریافتیم که روسیه و چین در طی سال‌های اخیر توانسته‌اند نفوذ خود را در خاورمیانه تقویت کنند. روسیه و چین با برقراری روابط دیپلماتیک قوی با کشورهای خاورمیانه، نفوذ خود را تسهیل کرده‌اند. آن‌ها با برگزاری مذاکرات و همکاری با کشورهای منطقه در بحث‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، روابط خود را تقویت کرده و تأثیرگذاری خود را بر تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای افزایش داده‌اند. به‌طور کلی، نفوذ روسیه و چین در خاورمیانه بر اساس تعاملات اقتصادی، تأمین منابع انرژی، حضور نظامی و روابط دیپلماتیک تقویت شده است. این نفوذ به طور مشترک تأثیرگذاری آن‌ها در سیاست‌ها، امنیت و اقتصاد منطقه را افزایش داده است. با ادامه این راهبردها و اعمال سیاست‌هایی در ذیل تحقق اهداف هر راهبرد، احتمالاً نفوذ و تأثیرگذاری این دو قدرت در خاورمیانه بیشتر نیز خواهد شد.

جدول ۴. راهبردهای روسیه و چین در خاورمیانه

راهبرد کشور	راهبرد تقویت و توسعه روابط اقتصادی	راهبرد جستجوی رهبری منطقه‌ای	راهبرد تصویرسازی مثبت در منطقه
روسیه	اقتصاد انرژی، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیرساختی و مبادلات تجاری و پروژه کمربند شمال - جنوب	ارائه خدمات لجستیکی و تقویت پایگاه‌های نظامی در منطقه	همکاری در مبارزه با تروریسم، تسهیل توافقات صلح و مذاکرات و ارائه کمک‌های انسانی در شرایط بحرانی
چین	همکاری در حوزه‌های انرژی، ابتکار پروژه راه ابریشم، پروژه‌های زیرساختی سرمایه‌گذاری‌های عظیم در حوزه اقتصاد و توسعه	تقویت روابط دیپلماتیک، میانجی‌گری در اختلافات منطقه‌ای، توسعه نفوذ نظامی	جلب اعتماد دولت‌های منطقه با تمرکز بر حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی به‌جای حوزه نظامی، پشتیبانی از حقوق بشر و عدالت اجتماعی، ترویج فرهنگ و زبان چینی و استفاده از غول‌های رسانه‌ای جهت تبلیغات مثبت

منبع: یافته‌های پژوهشگران

با توجه به یافته‌های هر راهبرد که در جدول فوق نشان داده شده است، می‌توان نتیجه گرفت که روسیه در راهبرد توسعه و تقویت روابط اقتصادی خود در خاورمیانه تلاش می‌کند تا با همکاری در زمینه‌های انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری، موقعیت اقتصادی خود را در خاورمیانه تقویت کند. روسیه همچنین به دنبال حفظ و تقویت روابط روسیه به ایران را باید یکی از مهم‌ترین امکان‌های پیش روی این قدرت برای حضور و نفوذ در خاورمیانه و خلیج فارس دانست. روسیه ارتباط با ایران را در حوزه اقتصاد، تجارت، فناوری و نظامی تقویت می‌کند و به دنبال تحقق هدف نفوذ بیشتر منطقه‌ای با تمرکز بر حوزه نظامی و امنیت منطقه ای است. روسیه ضمن تمرکز بر استراتژی مبتنی بر انرژی روابطی برجسته با کشورهای عرب خلیج فارس ایجاد نموده است و ذیل تمرکز بر منافع ملی سیاست‌های انرژی خود را در منطقه پیش می‌برد. روسیه ذیل رویکرد واقع بینانه سیاست خارجی اش می‌کوشد از طریق ارتباط با رژیم صهیونیستی نفوذی مؤثر در خاورمیانه و نیز ارتباط میان اعراب و رژیم صهیونیستی به دست آورد. روسیه از طریق کمک‌های اقتصادی، مبارزه با تهدیدات امنیتی و تروریستی در میان اعراب و نیز تلاش برای میانجی‌گری برای برقراری صلح از طریق دیپلماسی عمومی و ایجاد تعادل قدرت در منطقه درصدد ایجاد تصویری مثبت از خود در منطقه است.

از طرفی دیگر رقیب روسیه در منطقه یعنی چین نیز راهبردهای مشترکی با روسیه در منطقه دارد. چین به دنبال تأمین منابع انرژی برای رشد اقتصادی خود است. چین به طور فعال در حفظ روابط اقتصادی با کشورهای خاورمیانه و انجام توافقات نفتی و گازی در این منطقه مشغول است. چین همچنین به دنبال گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری خود در خاورمیانه است. این شامل ایجاد روابط تجاری و توسعه پروژه‌های اقتصادی و زیرساختی مانند بنادر، راه‌ها و پروژه‌های صنعتی در این منطقه است. چین به دنبال گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری خود در خاورمیانه است. این شامل ایجاد روابط تجاری و توسعه پروژه‌های اقتصادی و زیرساختی مانند بنادر، راه‌ها و پروژه‌های صنعتی در این منطقه است. در واقع چین با تمرکز بر حوزه‌های اقتصادی - فرهنگی به جای دامن‌زدن به درگیری‌های نظامی در منطقه و دخالت در امور دولت‌ها توانسته است اعتماد و حمایت دول منطقه‌ای را کسب کند. البته قابل توجه است که چین برخلاف روسیه مستقیماً با آمریکا وارد تنش نشده است هرچند که با غرب رقابت دارد. همین امر روسیه را در منطقه بیشتر مورد بی‌اعتمادی و عدم حمایت قرار می‌دهد. چین همچنین به ترویج صلح و استقرار منطقه خاورمیانه علاقه دارد و

سعی در حل منازعات و تسویه اختلافات بین کشورهای منطقه دارد تا به‌عنوان یک رهبر صلح‌آمیز شناخته شود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که چین با توجه به سیاست خارجی فعالانه‌تر و عملکرد بهتر نسبت به روسیه در خاورمیانه موفق‌تر عمل کرده است و هم‌زمان با همه دولت‌های منطقه ارتباط برقرار کرده و نفوذ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خود را بیش‌ازپیش تقویت می‌کند. نکته مهم این‌که نمی‌توان تغییرات و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را در آینده در ارتباط با تأثیر بر میزان نفوذ دو کشور در خاورمیانه نادیده گرفت. شایان ذکر است که با توجه به نتایج این پژوهش، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان حوزه خاورمیانه و روابط بین‌الملل می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند و سیاست‌های خود را بر اساس یافته‌های این پژوهش شکل دهند. همچنین، این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌هایی در ارتباط با دیگر قدرت‌های نوظهور و گرایش‌ها و تلاش‌های آن‌ها در خاورمیانه نیز می‌تواند مفید باشد.

منابع و مأخذ

فارسی

گل محمدی، ولی آرم، آرمینا (۱۴۰۲)، منطقه‌ای شدن مداخله قدرت‌های بزرگ و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۲، شماره پیاپی، ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲.

لاتین

- Abbaszadeh Fathabadi, M. & Kamali, Y. (2023). Russia and China's policies, goals and interests in West Asia and its impact on the Islamic Republic of Iran's interests. *Journal of Iran and Central Eurasia Studies*, 6 (1), 1-14. DOI: <http://doi.org/10.22059/JICES.2023.95139>
- Alterman, Jon B. (2024), 'What the Red Sea Crisis Reveals About China's Middle East Strategy', *Foreign Policy*, 14 February 2024, <https://foreignpolicy.com/2024/02/14/red-sea-crisis-china-middle-east-strategy-egypt-yemen/>.
- Avdaliani, Emil (2023), **Saudi Arabia and Russia: The 2023 –24 Trade and Investment Dynamics**, Middle East Briefing, August 29, 2023, at: <https://www.middleeastbriefing.com/news/saudi-arabia-and-russia-the-2023-24-trade-and-investment-dynamics/>
- Al-Fawwaz, Abdulrahman (2018), Russian intervention in the Middle East: Political and Economic Dimensions, *Journal of Studies in Social Sciences* ISSN 2201-4624 Volume 17, Number 2, 2018, 112-136

- Borshchevskaya, Anna(2024), **How the Middle East Became an Arena for Putin's Power Struggle with, the US**, at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/how-middle-east-became-arena-putins-power-struggle-us>
- Brands, Hal(2018), 'Democracy vs Authoritarianism: How Ideology Shapes Great-power Conflict', *Survival*, vol. 60, no. 5, October– November 2018, p. 62.
- Chatin Mathilde, Gallarotti Giulio (2018), **Emerging Powers in International Politics The BRICS and Soft Power**, **Published February 7**, 2019 by Routledge
- Chaziza, Mordechai(2022), **China's Foreign Policy in the Middle East and North Africa after the Arab Spring, Politics of Change in Middle East and North Africa since Arab Spring** (pp.238-255): DOI:10.4324/9781003365334-14
- Chaziza, Mordechai (2019), **Six Years After the Arab Spring: China's Foreign Policy in the Middle East and North Africa, Middle East Review of International Affairs**, Vol. 17, No. 2
- Eslami, Mohammad & Papageorgiou, Maria(2023), **China's Increasing Role in the Middle East: Implications for Regional and International Dynamics, Georgetown Journal of International Affairs**, at: <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/02/chinas-increasing-role-in-the-middle-east-implications-for-regional-and-international-dynamics/>
- Fleck, Anna (2023), **China's Wide Reach as a Trading Partner in the MENA Region**, at: <https://www.statista.com/chart/30275/ranking-of-china-as-trading-partner-of-mena-countries/>
- Habibi, Nader(2020), **China-Middle East Economic Relations and the Belt and Road Initiative**, Crown Center for **Middle East Studies**, at: https://www.brandeis.edu/economics/RePEc/brd/doc/brandeis_wp131.pdf
- International Institute for Asian Studies(2018), **China's relations with the Middle East: a perspective from the region**,at: <https://www.iias.asia/the-newsletter/article/chinas-relations-middle-east-perspective-region>
- ispionline(2023), **Russian Relations With the Middle East After Putin's Invasion of Ukraine, Istituto per gli Studi di Politica Internazionale**, <https://www.ispionline.it/en/publication/russian-relations-with-the-middle-east-after-putins-invasion-of-ukraine-143131>
- Insightturkey(2017), **Russian Energy Policy in the Middle East**, at: <https://www.insightturkey.com/articles/russian-energy-policy-in-the-middle-east>
- JAHANI, JOSHUA& WALDECK, GARETH (), **Cross Border Capital Markets Report The Middle East and China**, <https://jahaniandassociates.com/the-middle-east-and-china/>
- Liu, Fenghua (2023), **Russia's "Turn to the East" Policy: Evolution and Assessment, Chinese Journal of Slavic Studies** 3(2) Chin. J. Slavic Stu. 2023; 3(2): 247–262
- Liu, F. H. (2020). **China, the United States, and Russia in the Asia-Pacific: Policy evolution and game trends.Russian Research**,6,72–104
- Liu, F. H. (2019). **From economic diplomacy of great powers to power diplomacy of great powers:Diplomatic strategy during President Putin's third and fourth terms. Foreign Theoretical Trends**,4,95–105.
- Liang, Y. (2021). **China's cultural communication with the Middle East under the BRI: Assessment and prospects. Belt & Road Initiative Quarterly**, 2(4), 62-72.
- Lehr, D.(2017). 'The Middle East is the Hub for China's Modern Silk Road', **Middle East Institute**. <https://tinyurl.com/lehr2017>
- Mammadov, Rauf(2018), **Russia in the Middle East: Energy Forever?, Middle East Institute Jamestown Foundation**.
- Morozov, Vladimir, **Russia's Public Diplomacy in the Middle East** (November 3, 2021). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3513550> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3513550>

- Nakhle, Carole (2024), Russia's energy diplomacy in the Middle East, **European Union Institute for Security Studies (EUISS)**
- Shichor, Yitzhak (1998), China's Economic Relations with the Middle East: New Dimensions, **sage journals**, Volume 34, Issue 3-4, at:
<https://doi.org/10.1177/000944559803400310>
- Smagin, Nikita(2023), **A North–South Corridor on Putin’s Dime: Why Russia Is Bankrolling Iran’s Infrastructure**, at: <https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/2023/06/a-north-south-corridor-on-putins-dime-why-russia-is-bankrolling-irans-infrastructure?lang=en>
- Smagin , Nikita (2023), **Middle Eastern Influence Is Growing Fast in Russia**, at: <https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/2023/11/middle-eastern-influence-is-growing-fast-in-russia?lang>
- Subhan Husain, Andi & Sahide, Ahmad(2023), China's Middle East Foreign Policy: A Soft Power Approach and Human Right Issues, **Technium Social Sciences Journal**Vol. 39, 475-493, January,
- Smith, Martin A(2012), *Power in the Changing Global Order: The US, Russia and China* (London: **Polity Press**, 2012, 224 pp., £16.99 pbk).
- Sputnik News. (2023). In 2022, **the volume of gas supplied from Russia to China through the Sino-Russian East Route reached a record high of 155 billion cubic meters**. At:
<https://sputniknews.cn/20230116/1047166492.html>Иванов,И.С.
- Tank, Pinar (2012) The Concept of "Rising Powers". **Policy Brief for Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF)**.
- Vercauteren, Pierre(2015), **Emerging Powers**, Egmont Institute, Vol. 68, No. 1, The future of the European Neighbourhood Policy (2015), pp. 95-107 (13 pages)
- Wai-Yip, Ho(2014). "China's Emerging Policy of Soft Power in the Middle East: CCTV Arabic International Channel." **The Maghreb Review**, vol. 39 no. 1, 2014, p. 19-30. *Project MUSE*, <https://doi.org/10.1353/tmr.2014.0025>.